



## بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران، به مناسبت هفته دولت - 8 شهریور / 1375

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً هفته دولت را که فرصت مغتنمی است، هم برای قدرشناسی از کارگزاران و مسؤولان و دست اندرکاران امور اجرایی کشور و هم برای رساندن مژده های شیرین و خوب به گوش مردم و خرسند کردن آنها و در جریان قرارداد نشان نسبت به آنچه که شده است و هم به اعضای محترم دولت، رئیس جمهور محترم، آقایان وزرا، بقیه مسؤولان دولتی و هم به آحاد مردم عزیزمان، تبریک عرض می کنم.

خوشبختانه در این نوبت، امسال یکی از خواسته ها و آرزوهای ما عملی گردید، که عبارت است از این که قدری با مردم صحبت شد و از آنچه که انقلاب توانسته است برای این کشور و این ملت فراهم کند، برای مردم کشور و همچنین در درجه بعد، برای مردم مشتاق و علاقه مند جهان تبیین شد. از جمله کارهای خوبی که انجام گرفت، یکی همین نمایشگاه دستاوردهای دولت بود که ای کاش چنین نمایشگاهی، منحصر به این هفته نماند و مردم بتوانند به صورت عینی ببینند که دولت خدمتگزار و مسؤولانی که دم از طرفداری از مردم و خدمت برای آنها می زنند، در مقام عمل چه کرده اند. بفهمند که آنچه گفته می شود، صرفاً گفتن و ادعا و وعده نیست؛ آن طوری که ما همیشه در طول سالهای عمرمان، تا قبل از انقلاب عادت کرده بودیم که از مسؤولان بالای کشور، وعده بشنویم. ببینند انقلاب برای مردم واقعاً کار می کند و برای کشور تلاش می نماید.

به نظر من، اساسیترین مطلبی که در این هفته و در این جلسه ما، خوب است گفته شود - که حالا خوشبختانه مقداری آقای رئیس جمهور بیان کردند، که خبرش به گوش مردم خواهد رسید - این هنر بزرگی است که دولت جمهوری اسلامی و مسؤولان کشور، در خروج از معضلات و مضایق دوران بعد از جنگ، توانستند نشان دهند. کار بسیار بزرگی در این زمینه انجام شد و در جریان است. ان شاءالله باز هم شما مسؤولان و متصدیان امور، کار را ادامه خواهید داد. جنگ برای این کشور، از لحاظ معنوی دستاوردهای زیادی داشت که برای نسلهایی، تغذیه کننده معنویت و فکر و فرهنگ و ایمان و تجربه الهی است؛ لیکن در عین حال از لحاظ مادی، دشمن خسارتهای بزرگی را بر کشور تحمیل کرد. یکی از این خسارتهای این بود که بهترین جوانان و عزیزان ما، در این جنگ از دست ملت گرفته شدند؛ لیکن خسارت ویران سازی کشور، از بین بردن امکانات و بالاتر از آنها، فرصتهایی که در این کشور، برای سازندگی بعد از انقلاب وجود داشت، قابل ذکر است.

واقعاً در دوران جنگ، هنر بزرگ انقلاب این بود که بتواند کشور را همین طور حرکت دهد و راه ببرد. در دوران جنگ، هیچ فرصتی که قابل ذکر باشد، در مقیاس توقعات و نیازهای این کشور، برای ساخت زیربناها و تأمین زیرساختهای یک توسعه حقیقی و یک رشد واقعی اقتصادی و مادی، به وجود نیامد. در طول این مدت چند سالی که ما بعد از جنگ می گذرانیم، خوشبختانه دولت موفق شده است در این زمینه، کارهای بزرگی را انجام دهد که حقیقتاً می توان این را امروز گفت که یک زیر ساخت مستحکم اقتصادی، در کشور به وجود آمده است.

من یادم است که اوایل بعد از جنگ، که در جلسات بازسازی، با مسؤولان کشور می نشستیم - آن وقت آقای رئیس جمهور محترم، رئیس مجلس بودند و بعضی از مسؤولان دیگر هم بودند - جزو آرزوهای ما، یکی همین بود که چندین سد ساخته شود، یک مقدار راه ساخته شود، تعدادی کارخانه های اساسی در زمینه پتروشیمی، در زمینه فولاد و ... به وجود آوریم. اینها واقعاً جزو آرزوهای بود که روی کاغذ می آوردیم و برای آن تلاش و کار می کردیم. امروز، بحمدالله آن آرزوها تحقق پیدا کرده و این کارها شده است. اینها هم آسان به دست نمی آید و واقعاً جز با کار خستگی ناپذیر و خستگی ناشناس و با مدیریتهای قوی و علاقه مند و بخصوص با مدیریت شخص آقای هاشمی - که واقعاً ایشان در این زمینه خوب عمل کردند و مدیریت خوبی را بر دولت اعمال نمودند - این محصول به دست



نمی آمد.

من باید عرض کنم، خدای متعال که می داند، مردم ما هم که خوشبختانه می دانند، لیکن من هم این را بگویم و تثبیت شود که در این افتخار، شخص آقای رئیس جمهور، اشخاص یکایک شما وزرای محترم و مسؤولان بخشهای مختلف، سهیم و شریک هستید و این افتخارات، متعلق به شماست و ثوابش ان شاءالله پیش خدای متعال، متعلق به شماست. همچنین همه کسانی که با شما در طول این سالهای بعد از جنگ تا امروز، همکاری کرده اند، بخشهای مختلف اداری و کارکنانی که وجود داشتند، از متخصصان و کارشناسان و مردم، ان شاءالله که همه در این افتخار سهیم هستید.

وقتی که در یک کشور، توسعه سازندگی و زیرساختهای اقتصادی، صحیح و مستحکم بنا می شود و وقتی که حرکت سازندگی در کشور - به معنای واقعی کلمه - به وجود می آید؛ کشور از اعتدالی سیاسی هم در داخل و خارج برخوردار می شود. یعنی اگر شما امروز می بینید که بحمدالله دولت جمهوری اسلامی و ملت ایران و کشور ما، هم در سطح جهان، از یک آبروی سیاسی برخوردار است و هم در داخل، زبان بدخواهان و بدگویان و عیب گیران و کسانی که عیبهای کوچک را بزرگ می کنند و محسّنات بزرگ را ندیده می گیرند، تا حدود زیادی بسته است - اگر چه هیچ وقت زبان بدگویان به کلی بسته نخواهد شد؛ چون به طور کلی انگیزه های بدخواهی هرگز از بین نمی رود، لیکن تا حدودی زیادی این معنا هست - به خاطر این است که حرفی برای گفتن ندارند و خیلی از حرفهایی را که می توانستند بگویند و می توانستند به عنوان بهانه ذکر کنند، دیگر ندارند. یعنی استحکام سیاسی تا حدود زیادی، ناشی از استحکام فعالیتهای سازندگی در کشور است، که خوشبختانه این کار انجام گرفته است. در زمینه های فرهنگی هم کار شده است. اگر چه نه به اندازه کارهای زیر بنایی اقتصادی و آنچه مربوط به توسعه اقتصادی است، لیکن به هر حال در آن زمینه هم، انصافاً کارهای باارزشی انجام گرفته است.

آنچه که من به عنوان اولین توصیه، می خواهم روی آن تکیه کنم، این است که نگذارید این حرکت تلاش و فعالیت سازندگی و کار زیر بنایی، در این دوره انتقالی ای که ما در پیش داریم، متزلزل شود. یعنی به حسب عادّی، این دولت در سال آخر تلاش خودش قرار دارد. آقایان مسؤولان، هیچ کدام تصوّر نکنند که ما چند ماه دیگر، بیشتر کار نداریم؛ نه. ممکن است شما سالهای متمادی، این کارها را بخواهید ادامه دهید و قاعدتاً هم همین طور است که مدیران خوب، کارها را به طور مستمر انجام می دهند. ولو به فرض هم که در رأس مسؤولیت نباشند؛ اما حضور و وجودشان در کارها، همواره محسوس خواهد بود. نگذارید امسال کارها، اندکی متزلزل شود؛ یعنی بگویید حالا به هفته دولت رسیدیم و تبلیغاتی که لازم بود تا حدودی انجام دهیم، انجام دادیم و بعد دیگر یواش یواش، به فکر جمع کردن باشیم! نه. تا ساعت و لحظه آخری که از لحاظ قانونی، شما می توانید تلاش کنید، بایستی این حدیث شریف را در نظر داشته باشید که: «اعمل لدنیاک کأنک تعیش ابداً» یعنی باید فرض کنید که شما ده سال دیگر، پانزده سال دیگر، این کارها را در پیش رو و برعهده دارید. با این دید و با این نیت کار کنید.

من حقیقتاً خائفم از این که در این سال آخر، یک مقدار این حرکات تلاشگرانه ای که وجود داشته، سست شود و دچار تزلزل گردد. خوشبختانه کشور، روال مستمری دارد. سیاستها، سیاستهای واحدی است و طبیعت نظام و وضعیت قانون اساسی ما مثل بعضی از کشورها نیست که وقتی دوره یک دولت تمام شد، همه چیز عوض شود و حتی سیاستها در معرض تغییر و تبدیل قرار گیرد. سیاستهای ثابت و مستمری داریم؛ بر اساس این سیاستها، برنامه ریزیهای انجام گرفته است و بر اساس این برنامه ریزیها، مسؤولان کارهای خوبی انجام داده اند. بایستی این سیاستها ادامه پیدا کند و این کارها هم ادامه پیدا خواهد کرد. بنابراین، توصیه اول من این است که نگذارید این حرکت سازنده، حتی اندکی دچار فتور و سستی شود. بایستی با قوت و قدرت، ادامه پیدا کند. من همواره نکته ای را به آقایان عرض کرده ام؛ باز هم تکرار آن را لازم می دانم. البته شما مسؤولین خوبی هستید.



مسئولان بخشهای مختلف، بحمدالله از سرچشمه معنویات انقلاب، بهره وافر گرفته اند و استفاده کرده اند؛ لیکن در عین حال، من باید این نکته را بگویم؛ برای این که اینها به صورت یک سرفصل فراموش نشدنی، همواره در ذهنها بماند. ما در تمام این کار بزرگی که برعهده داریم - در مراحل گوناگون آن - بایستی از اهداف و ارزشهای متعالی نظام اسلامی، یک لحظه غفلت نکنیم. اگر کار سازنده ما، با غفلت از آن اهداف انجام گیرد، خوف انحراف این کار از آن اهداف وجود دارد. چون ما انسان و بشریم؛ اگر اندکی غفلت کنیم، ممکن است از «صراط مستقیم»، به سمت چپ و راست منحرف شویم.

فرض بفرمایید نوجوان با استعدادی را به یک مجموعه عاقل مدبر دلسوزی سپرده اند که او را برای تبدیل به یک انسان ممتاز و برجسته، تربیت کنند و پیش ببرند. شکی نیست که تأمین غذا برای او لازم است؛ چون اگر غذا نداشته باشد، زنده نخواهد ماند تا ممتاز شود. شکی نیست که ورزش برای او لازم است؛ چون اگر ورزش نکند، توانایی ادامه کار پیدا نخواهد کرد. شکی نیست که تعلیم و تربیت برای او لازم است و باید درس بخواند؛ چون اگر درس نخواند و عالم نشود، امکان کارهای بزرگ برای او وجود نخواهد داشت. شکی نیست که سیاحت و مزاح و حضور در مراکز تفریحی، برای او لازم است. یعنی اگر ما بخواهیم یک تربیت صحیح بکنیم، امکان ندارد که از جهات دنیایی غافل شویم. چطور ممکن است نظام اسلامی را در دنیا به اعتلا رساند، در حالی که کشاورزی نداشته باشیم، صنایع سنگین نداشته باشیم، معادن و فلزات نداشته باشیم و...؟

بدیهی است که سازندگی کشور، یک امر ضروری و لازم است؛ اما در تمام کارهایی که نسبت به این نوجوان مستعد آماده ای که شما برای او فکر کردید که در آینده، یک انسان ممتاز معنوی و مادی و علمی و دینی شود، بایستی آن هدف را فراموش نکنید. یعنی اگر در ورزش او، مثلاً شما طوری او را در میدانی از میدانهای ورزش بردید که دچار انحطاط اخلاقی شد، این دیگر آن نخواهد شد که شما می خواهید. اگر غذایی که به او دادید، غذایی بود که فرضاً دل انسان را سخت می کند، یا ذهن انسان را کند می سازد، او را سیر کرده اید؛ اما آنچه را که لازم است، به او نداده اید. اگر علمی که می خواهید به او بدهید، علمی باشد که برای فردای او، هیچ گونه تأثیری نداشته باشد و این امکان را که بتواند به عنوان یک انسان بزرگ و ممتاز ظاهر شود، به او ندهد، این کار انجام نشده است.

به نظر من، امروز در سطح کشور، دو حرف هست که گاهی گفته می شود. هر دو حرف، درست است؛ اگر چه در ظاهر، این دو حرف، ضدّ همدیگر است و گاهی در مقابل همدیگر بیان می شود. بعضیها وقتی که راجع به توسعه و سازندگی حرف زده می شود، می گویند: سراغ ارزشها بروید. کأته مسأله سازندگی و توسعه مادی و اقتصادی کشور، در درجه کمی از اهمیت قرار دارد. این طور از ارزشها اسم آورده می شود که گویا مسأله ساختن کشور، در درجه بعد قرار دارد و اهمیتی ندارد. نقطه مقابل، وقتی که صحبت از ارزشها می شود، بعضی می گویند: ما بایستی مملکت را بسازیم. اگر مملکت ساخته نشود، ارزشها را نمی توانیم در دنیا معرفی کنیم. این دو حرف، هر دو درست است؛ یعنی هیچ یک از این دو حرف، در واقع ردّ حرف دیگری نیست. کشور باید از تمام ابعاد مختلف، ساخته شود. یعنی شما هر کدام، متصدی بخشی از بخشهای کشور هستید، تلاش زیادی هم می کنید و این تلاشها، بایستی باز هم حتی مضاعف شود و آن شاءالله با قوت و قدرت، این حرکتهایی که شما شروع کرده اید و بعضاً به نتایج خوبی هم رسیده است، به نتایج نهایی برسد؛ لیکن در تمام این مراحل، بایستی آن ارزشهای معنوی، آن چیزهایی که دو، سه مورد از آن را بعداً عرض خواهم کرد، در نظر باشد؛ که اگر نباشد، آن وقت این سازندگی، به آن مقصودی که شما از آن دارید، نخواهد رسید و نخواهد توانست آن نظام الهی و قدرت سازندگی اسلام و دین و قدرت اداره یک ملت و یک کشور به وسیله احکام الهی را معرفی کند و نشان دهد.

آن چیزی که در زمینه این مسائل ارزشی، خوب است که عرض کنم و باید در همه بخشها مورد توجه قرار گیرد - که البته اینها چیزهایی است که شاید فراگیرنده همه آنچه که لازم است در نظر باشد، نیست؛ لیکن بلاشک جزو



مهمترین آنهاست - یکی مسأله اعتماد به نفس مدیران و مسؤولان کشور است. این، یک ارزش اساسی انقلاب ماست؛ که اگر این نباشد، به نظر من پایه های سازندگی کشور متزلزل خواهد شد. در تمام مسؤولانی که در بخشهای مختلف کشور، مشغول تلاش و کار هستند، باید این روح اعتماد به نفس و این فکر که جمهوری اسلامی و ملت ایران و عناصر خودی این کشور، قادر هستند کشور را به بالاترین حد اعتلای مورد نیاز و خواستش برسانند، تقویت شود. بعضاً ممکن است برخی از مسؤولان و بعضی از کسانی که در بخشهای مختلف مشغول کار هستند - چه در زمینه های اقتصادی، چه در زمینه های فرهنگی و غیره - به تحلیلهایی دل بسته باشند که دیگران - حتی مثلاً یک فرد عالم یا نویسنده ای - در یک مجله علمی منتشر کرده باشند. این تحلیل، آن چنان نظرها را به خودش جلب کند که اعتماد به نفس را سلب نماید و ذهن را از آن برنامه ای که ناشی از دیدن واقعیتها در کشور است - چون هر کشوری اقتضائات و واقعیاتی دارد - غافل کند و منصرف سازد!

باید سعی کنیم که دانش آموزان ما از دوران مدرسه و دانشجویان ما و کسانی که تازه وارد کار شدند، روح اعتماد به نفس را و این که می توان با تحلیلها و انگیزه ها و فهم خودی از مسائل کشور، آن مسائل را حل کرد، حفظ و تقویت کنند. نباید به آنچه که فلان روزنامه نویس نوشته است و فلان تحلیلگر خارجی می گوید که ایران باید این راه را طی کند تا بتواند به سازندگی و رفع مشکل اقتصادی برسد» اعتنا کرد. البته مسائل علمی در هر جای دنیا، از هر زبانی که صادر شود، قابل اعتناست؛ منتها نه به صورت پذیرش بی قید و شرط، بلکه به صورت پذیرش تحلیلی که انسان حرفی را بگیرد، آن را با شرایط گوناگون کشور بسنجد و به مرحله عمل در آورد.

به هر حال، عدم دل بستگی به تحلیلها و نظرهای بیگانه، مهمترین چیزی است که در زمینه مسائل ارزشی، لازم است که در کلّ تشکیلات وجود داشته باشد. به این که دیگران در باره ما چه می گویند، اعتنای چندانی نکنید. شاید آنچه که درباره ما می گویند، با آنچه که درباره خودشان می گویند، متفاوت باشد. اگر چه آنچه که درباره خودشان هم می گویند، به طور ضروری، درباره وضع زندگی ما صادق نیست. این طور نیست که حتماً منطبق با وضع ما هم باشد. ما مردم متدینی داریم که با ایمان مذهبی، با حرکت انقلابی و با توجه به ارزشهای معنوی زندگی می کنند، به این ارزشها هم اهمیت می دهند و اهتمام می ورزند. اینها را بایستی توجه کرد. نگاه نکنید که دیگران درباره شما و کشور و مسؤولان و برنامه های کشور چه می گویند. نگاه کنید که چه چیزی مورد نیاز است و بایستی آن را انجام دهید. مطلب دیگری که در همه زمینه های سازندگی لازم است، این است که ما به صورت یک اصل، از اوایل انقلاب، روی مشارکت مردم تکیه کردیم. امام رضوان الله تعالی علیه، مکرر در مکرر، درباره مشارکت دادن مردم، توصیه می کردند و حرف می زدند. آن روزها، تفکری هم وجود داشت که مردم را تقریباً از میدانهایی گوناگون دور می کرد. بعد هم بحمدالله همه به این رسیدند که نه؛ مردم بایستی در مسائل گوناگون کشور، چه مسائل اقتصادی و چه سایر زمینه ها - در مسائل سیاسی که بحمدالله حالا هم دخالت دارند - شرکت و دخالت داشته باشند. امروز هم این طوری است؛ باید هم باشد.

این، یک اصل هم هست که مردم بایستی در کارهای دولت، سهیم، شریک، همکار و مباشر کار باشند؛ لیکن نکته اساسی که در این جا وجود دارد، این است که نوع دخالت مردم، نباید منجر به این شود که بعضی از قشرهای مردم یا بعضی از افراد زرنگ در میان مردم، سودهای کلان و بادآورده ببرند؛ در حالی که عده دیگری از مردم، در اولیات زندگی در بمانند. یعنی همان مسأله اساسی عدالت اجتماعی و رسیدگی به همه قشرها در بخشهای مختلف، باید مورد توجه قرار گیرد. الان در بخشهای مختلف کشور، دولت در وزارتخانه های مختلف، یا طبق قانون، یا طبق سیاستهایی که در این وزارتخانه خاص وجود دارد - که خوب هم هست و ایرادی ندارد - هر کدام به نحوی مسائلمان را با مردم، هماهنگ و متوازن می کنند؛ لیکن حتماً باید توجه کنید که از قبل امکانات و موجودی دولت - که متعلق به همه مردم است - این طور نشود که ثروتهای بادآورده ای به وجود آید و در مقابل، همچنان که لازمه



وجود ثروت بادآورده در کشور است، عدّه ای محروم بمانند.

تا وقتی کسانی در کشور وجود دارند که می‌توانند از موجودیهای کشور، سودها و بهره‌های بی‌حساب و کلان ببرند و ظاهرش این است که مثلاً در صورتهای قانونی هم معامله و اجاره و مقاطعه کاری و واسطه‌گری می‌کنند - یعنی علی‌الظاهر شکل لباس قانونی دارد؛ اگر چه ممکن است باطنش هم بی‌قانونی باشد - بدون شک، فقر در کشور، ریشه‌کن نخواهد شد. چنین چیزی ممکن نیست. یعنی وجود امکانات بیش از حد در اختیار یک جمع معدود، نخواهد گذاشت که تولیدات و امکانات کشور، در دسترس بقیه مردم قرار گیرد. همین تورمی هم که همیشه از آن می‌نالید و همه می‌نالند و حق هم هست؛ تا آخر ادامه پیدا خواهد کرد. بایستی در دستگاہهای مختلف دولت، توجّه دقیقی شود که جلو استفاده‌های غیر منطقی و غیر صحیح منتهی و منجر به ثروتهای کلان، گرفته شود. اگر احياناً قانونی هم وجود دارد که این قانون، از روی غفلت گذارده شده است، یا مقرراتی در جایی وضع شده است که این نتیجه را می‌بخشد، چون این ضرر و عیب را دارد، باید حتی آن قانون علاج شود و مجلس شورای اسلامی و هیأت دولت و بقیه بخشهای گوناگون، توجّه کنند که این را طوری علاج نمایند و نگذارند آن زمینه را فراهم کند. تمتّع قشرهای مختلف مردم از امکانات کشور، باید متعادل باشد. نبایستی طوری باشد که فاصله‌ها روز به روز زیادتر شود و عدّه‌ای آن‌طور زندگی کنند. البته یک بخش عمده از این کار را هم، وزارت اقتصاد و دارایی و بخش مربوط به مالیات، می‌تواند تأمین کند: گرفتن مالیاتهای متناسب و بجا از کسانی که سودها و استفاده‌هایی می‌برند. این هم یک معنای دیگر است.

در همین زمینه، توصیه دیگری به برادران عزیز دارم که این را حتماً در برنامه باید بگنجانید؛ چون در دوره سازندگی، بخشی از معایب اقتصادی به‌طور طبیعی هست. در همه جا هم همین‌طور بوده است. تورّم زیاد می‌شود و قدرت خرید، در بسیاری از مردم کم می‌گردد. باید ان شاءالله برای حلّ این مشکلات اقتصادی به معنای خاص در کشور، تلاش مضاعفی در دولت انجام شود. مسأله تورّم، باید به شکلی حل شود. قدرت پول ملی، بایستی به تدبیر هر چه تمامتر، با دنبال‌گیری و تلاش هر چه بیشتر، تأمین شود. البته امیدوار هستیم که ان شاءالله آن روزی که نتایج کارهای شما بیشتر ظاهر شود و این کارهای زیربنایی به نتایج برسد، همین‌طور هم شود، در درازمدت، این‌طور خواهد شد؛ لیکن نمی‌شود منتظر ماند و از راههای علاجی که در کوتاه‌مدت و میان‌مدت می‌تواند دنبال شود، نباید غافل شد. همین ارزش پول ملی، کلید حلّ بسیاری از مشکلات کشور است و این ضعف قدرت خرید در طبقات پایین مردم و عدم توانایی آنها بر تأمین نیازهای زندگیشان، ناشی از این قضیه است، که ان شاءالله باید تلاش مضاعفی برای اینها انجام گیرد.

در همین خصوص، ما توصیه همیشگی داشتیم که باز هم به شما برادران عزیز عرض می‌کنیم و توجّه و تذکر می‌دهیم و آن، عبارت از اعتنای به ایثارگران در کارها و بخشهای مختلف و سپردن مسؤولیت‌های گوناگون کشور به آنهاست. حقیقتاً امنیتی که امروز کشور دارد و بخشهای مختلف می‌توانند با استفاده از این امنیت، کار و برنامه ریزی و ابتکار کنند، کشور را بسازند و برای کشور و برای خودشان افتخارات به وجود آورند، ناشی از تلاش ایثارگران و همین جوانانی است که به میدانهای نبرد با دشمن رفتند. بعضی شهید شدند، که خانواده‌های آنها هستند. بعضی مجروح شدند و جانبازان را تشکیل می‌دهند. بعضی هم بحمدالله سالمند، ایثارگران ما هستند. همین جوانان مؤمن نیروهای مسلح، واقعاً تلاش کردند و زحمت کشیدند - چه نیروی نظامی و چه در بخش خودش نیروی انتظامی در مقابله با کسانی که مخلّ به امنیت کشور بودند - و همان طوری که امام یک وقت فرمودند: اگر این جوانان نبودند و این انقلاب پیروز نمی‌شد، حالا ماها این فرصت و این افتخار را نداشتیم که بخواهیم مسؤولان کشور باشیم و پیش‌خداي متعال، برای خودمان اجر، و پیش مردم و نزد تاریخ، برای خودمان افتخار درست کنیم. شما این خدمات را، به این مردم ارائه دهید.



در حقیقت، شما مسؤولان کشور و همه ما، مدیون آحاد مردم و بخصوص ایثارگران از مردم هستیم که با جان و توان و زحمات خودشان، این امکان را برای ما فراهم کردند. اگر این ایثارگریها نبود، معلوم نبود که کشور، تمامیت ارضی داشته باشد یا نه. امنیت داشته باشد یا نه. دشمن داخل کشور ما باشد یا نه. و آیا چنین امکانی وجود داشته باشد که کسی بتواند برای کشور، کار و تلاش کند و سازندگی به وجود آورد. این، بر ما دیکته می کند و واجب می سازد که در همه مراحل، مواظب و مراقب باشیم و نگذاریم که خدای نکرده، حق طبقات ایثارگر کشور - مثل خانواده های شهدا، جانبازان، رزمندگان و کسانی که در راه خدا واقعاً جهاد کردند و زحمت کشیدند - به بعضی از حرفها و نقیصاتی که گاهی گوشه و کنار زده می شود؛ آن هم از سمت کسانی که در جنگ، هیچ گونه دلسوزی ای نداشتند و برای این انقلاب و برای جنگ و در میدانهای خطر، هیچ گونه تلاشی نکردند، ضایع شود.

گاهی نقیصاتی می زنند که مثلاً چرا در دانشگاه، چرا در وزارتخانه ها، چرا در فلان جا، به خانواده های شهدا یا به ایثارگران یا به بسیجیها، امتیاز می دهند؟ به اینها، اعتنائی نکنید. آنچه به عنوان امتیاز - که بحمدالله امروز قانونی هم است - به اینها داده می شود، زیادتراً از آنچه که آنها مستحقش هستند، نیست؛ بلکه در مقابل آنچه دستاورد تلاش آنهاست، واقعاً به مراتب کمتر هم هست.

ما از برادران عزیز درخواست می کنیم که خدا را در همه احوال، حاضر و ناظر بدانید. حساب الهی را در قیامت باید جدی بشمارید. محاسبه الهی، حق است. کوچکترین کار ما، خدای نکرده، یک لحظه غفلت ما، یک لحظه کم کاری ما، همه در پرونده و صحیفه اعمال ما، مضبوط و محفوظ و باقی است. از یکایک اینها، از ما حساب کشیده می شود؛ همچنان که هر لحظه دشواری را که شما در راه مسؤولیت طی می کنید، در نامه عملتان مضبوط و محفوظ است. آن نگرانی ای که شما برای کار دارید، آن تلاشی که می ورزید، آن فشاری که بر اعصاب و جسم و بر خانواده خودتان می آورید، برای این که کاری را برای خدا و در راه او انجام دهید، این هم پیش خدای متعال محفوظ است. اگر خدای نکرده، غفلتی، کم کاری ای، بی ملاحظگی ای در هر کاری از کارها، عدم رعایت مصالح عالی مردم و نظام، به خاطر بعضی از ملاحظات شخصی و گروهی باشد، اینها همه اش پیش خدای متعال محفوظ است و خدای متعال از اینها، از ما خواهد پرسید.

محاسبه الهی، محاسبه ای سخت و بسیار جدی است. خدا کند که ماها، این مراقبه را همواره برای خودمان داشته باشیم که بتوانیم کارهایمان را با دقت بیشتری انجام دهیم. من خودم بیش از شما، محتاج به این معنا هستم و بلکه بیش از شما، موظف هم هستم که این مراقبه را در کوچکترین اعمال خودم داشته باشم. البته وظیفه دارم این معنا را به شما هم عرض کنم که یک ساعت که بیشتر به کار می پردازید و اهتمام بیشتری که می ورزید، البته پیش خدای متعال اجر دارد. اگر لحظه ای هم از گوشه کار کم گذاشته شود، ملاحظه ای موجب شود که انسان، آن کاری را که باید انجام دهد، انجام ندهد؛ آن هم پیش خدای متعال، محاسبه و مؤاخذه ای دارد که بایستی به آن توجه داشت.

به نظر من، آقایان وزرا و مسؤولان بالای کشور بخصوص، اگر بخواهند از این دغدغه های گوناگون، خودشان را خلاص کنند و این خدمت بزرگ و خالص و خوبی را که ارائه می دهند، بی هیچ دغدغه و اشکال، در نامه عمل خودشان ثبت کنند و برای این کشور، ان شاءالله مستدام بدارند، راهش این است که در فعالیتها و تلاشهای اقتصادی شخصی و گروهی، مطلقاً وارد نشوند. شما که بحمدالله به کم قانع شدید. یک وقت، آقای هاشمی، شخصی را برای وزارت دعوت کرده بودند که بیاید برای بخشی، مسؤولیتی پیدا کند. پیش ایشان آمده بود و گفته بود که من اگر بیایم وزیر شوم، زندگی من لنگ می ماند؛ ولی حالا زندگی من می گردد! یادم نیست حالا ایشان قبول کردند و مثلاً گفتند چیزی اضافه می دهیم، یا قبول نکردند. قاعدتاً این طور است که اگر کسانی با تخصصهای خوب، در بخشهای دیگر کشور بروند کار کنند، البته ممکن است زندگیهای بهتر هم بشود. زندگیهای راحت تر و درآمدی بیشتری خواهند داشت. طبعاً



وزارت، این طور نیست. بر حسب قاعده، یک مقدار سطح برخورداریها و تنعمها را، از دیگر بخشها کمتر خواهد کرد. به این مقدار، بسازید. این را تحمل کنید و بسازید. به فکر نباشید که زندگی خودتان را تأمین کنید. البته می دانم بحمدالله به فکر نیستید؛ ولی حالا آنچه که ما به شما می گوییم، در واقع برای همه مدیران و مسؤولان بخشهای گوناگون در سطوح مختلف، حجیت دارد و باید رعایت کنند. مدیران کشور، به فکر نباشند که آینده خودشان را تأمین کنند. همه چیز، به دست خداست. اداره زندگی و ادامه آن هم، به دست خداست. در فعالیتهای اقتصادی، هر چه که خودتان را دور نگه دارید و پرهیز کنید، به نفع شما و کارتان و به نفع کشور است؛ بلکه به نظر من، از هر کاری به غیر از آن کار ویژه خودتان، اجتناب کنید، برای این که بتوانید کار خودتان را انجام دهید.

به هر حال، عزیزان من! کار خوب، آفاتی هم دارد. هیچ کار خوب، بدون آفت نیست. انسان تربیت شده والای سطح بالایی که جزو مخلصان به حساب می آید، طبق این طبقه بندیهای معنوی در روایات و آثار شرعی ما، «فی خطر عظیم» است. انسان مخلص، یعنی کسی که همه کارهایش برای خداست، یک کلمه حرفش، یک حرکتش، حتی خوردن و نوشیدن و استراحت کردنش، جز برای خدا و بدون نیت قربت نیست، در روایت دارد که حتی این انسان، «فی خطر عظیم» است. حالا ببینید ما که تا آن اخلاص آن طوری، فاصله خیلی زیادی داریم، وضعمان چگونه است. از آفات، باید خیلی پرهیز کرد. آفات کار و آفات زندگی، خیلی زیاد است. باید انسان دائم مراقب باشد.

البته این را نمی گویم برای این که شما شجاعت کار را از دست بدهید؛ نه. یکی از آفات کار، همین است که انسان، شجاعت کار را از دست بدهد. مراقب باشید که کار را شجاعانه و قوی و با قدرت و با توکل به خدا انجام دهید. در هر سطحی که هستید، پیش بروید. یکی از آفات، همین است که انسان، شجاعت نداشته باشد. آفات دیگری هم وجود دارد که مراقب باشید این آفات، ان شاءالله دامنگیر شما نشود.

امیدواریم از شما برادران عزیز که مشغول این کارهای خوب و بزرگ هستید، همچنان که بحمدالله جناب آقای هاشمی اظهار رضایت می کنند، خدای متعال هم راضی باشد و نام و کار نیکی از خودتان بگذارید و این خدمات را سالهای متمادی، ان شاءالله ادامه دهید و برای این کشور، منشأ آثار باشید و از قبل کارهای شما، ان شاءالله مردم بهره های فراوانی ببرند.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته